خراسان شمالی
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی

اخبار

ضرر میلیونی با ترک اتاق کار

صدیقی- سارقی به کارمند یکی از نهادهای دولتی که برای لحظه ای اتاقش را ترک کرده بود چند میلیون تومان ضرر زد. کارمند یک اداره در بجنورد زمانی که برای چند لحظه اتاق کارش را برای ملاقات با مدیر ترک کرد نمی دانست که سارق با سرقت گوشی اش کام او را دم عید تلخ خواهد کرد. مال باخته گفت: روزی برای دیدار با مدیر، اتاقم را برای دقایقی ترک کردم و گوشی ام را روی میز جا گذاشتم. بعد از دیدار با مدیر که چند لحظه بیشتر طول نکشید وقتی به اتاق کارم برگشتم در کمال تعجب دیدم گوشی گران قیمت ام ناپدید شده است. اول فکر کردم شاید گم شدن گوشی ام شوخی یکی از همکارانم باشد اما زمانی که پیگیر ماجرا شدم متوجه شدم آن ها اصلاً از ماجرا خبر ندارند. به ناچار دوربین های مدار بسته اداره را چک کردیم که در کمال ناباوری دیدیم بعد از این که اتاقم را ترک کردم فردی به بهانه ارباب رجوع وارد اتاقم شد و بعد از کمی وارسی با برداشتن گوشی گران قیمت ام سریع محل را ترک کرد. بعد از این اتفاق پلیس را در جریان گذاشتم تا با چهره نگاری، سارق جوان هر چه زودتر دستگیر شود و دم عید دچار ضرر چند میلیون تومانی نشوم.

در محور بجنورد- شیروان رخ داد؛

واژگونی خودرو یک کشته بر جا گذاشت

در پی واژگونی خودروی سمند در محور بجنورد - شیروان راننده سمند جان باخت. به گزارش پلیس راه استان در کیلومتر ۱۵ محور بجنورد- شیروان و در حوالی کارخانه پتروشیمی خراسان یک خودروی سمند واژگون شد که پس از اطلاع رسانی، نیروهای پلیس راه و نیروهای امدادی سر صحنه حادثه حاضر شدند اما راننده این خودرو به علت جراحات وارد شده در صحنه فوت کرد. کارشناسان پلیس راه ناتوانی راننده در کنترل وسیله نقلیه به دلیل داشتن سرعت بالا را علت بروز این حادثه تشخیص دادند.

در راز و جرگلان رخ داد؛

مرگ یک دانش‌آموز در زنگ تفریح

رحمانی- یک دانش آموز مقطع ابتدایی در راز و جرگلان هنگام بازی دانش آموزان در زنگ تفریح بر اثر برخورد با یک دانش آموز و بعد برخورد با دیوار مدرسه دچار مرگ مغزی شد و جان سپرد. به گزارش خبرنگار ما از راز و جرگلان، دانش آموز کلاس پنجم ابتدایی روستای پشنده هنگام حضور در حیاط مدرسه به ناگاه دانش آموز دیگری که مشغول دویدن در حیاط مدرسه بود با او و سر این دانش آموز با از دست دادن تعادلش هنگام زمین خوردن با دیوار برخورد کرد. پس از بروز این حادثه دانش آموز مصدوم به مرکز درمانی منتقل شد اما به علت ضربه به سر دچار مرگ مغزی شد و جان سپرد. آموزش و پرورش راز و جرگلان و مدیریت مرکز بهداشت این شهرستان نیز این حادثه را تأیید کردند. بر اساس اعلام دادگستری خراسان شمالی این پرونده تا ظهر روز گذشته شاکی نداشت.

فروپاشی زندگی با حسادت کورکورانه

صدیقی

حسادت کورکورانه جاری، زندگی زنی را تا مرز فروپاشی پیش برد. به گفته این زن، مورد توجه بودن در جمع باعث برانگیختن حس انتقام جاری اش از وی شد و در نهایت در تله گرفتار شد.

زن جوان می گوید: فکر می کردم جاری ام دوست و یاور من در تنهایی هایم است اما خبر نداشتم که از پشت به من خنجر می زند و آینده ام را به سوی تاریکی می کشاند.

زن جوان و نادم که دلتنگی برای جگر گوشه اش در سیمایش موج می زند درباره روزهای سیاه و سفید زندگی اش می افزاید: بچه که بودم با فوت مادرم از مهر او محروم شدم و زندگی توفانی و آوارگی من آغاز شد. پدرم یک قاچاقچی به تمام معنا بود و کاری به کار من و خواهر و برادرهایم نداشت. او سر ماجرای مواد به زندان افتاد.

بعد از این اتفاق مادربزرگم سرپرستی مرا برعهده گرفت. خواهر و برادر بزرگ ترم هم در خانه ماندند و دودی شدند.

تا ۷ سالگی پیش مادربزرگم زندگی کردم تا این که وقت مدرسه رفتنم رسید. مادربزرگم که از پدرم کم نمی آورد و او هم دستی در قاچاق مواد داشت شرایط نگهداری از من را نداشت. از طریق دوستان هم سن و سالم با یک خوابگاه که تحت نظر یک نهاد حمایتی بود آشنا شدم و بعد از آن به آن جا نقل مکان کردم. تا یک سال در خوابگاه بی تابی و شب ها در تنهایی خودم گریه می کردم. هر وقت مادری را می دیدم که دست بچه اش را گرفته است دلم از غصه تَرَک بر می داشت و غم تمام وجودم را فرا می گرفت.

با وجود این که دلم برای خانواده ام تنگ می شد اما باز هم هیچ جایی بهتر از خوابگاه سراغ نداشتم و مجبور بودم در تنهایی ام غوطه ور شوم تا آینده ام را بسازم. بزرگ تر که شدم همزمان در کنار درس خواندن در یک فروشگاه هم کار می کردم تا حقوقم کمک حال خرجی من باشد.

۱۸ ساله بودم که با همسرم آشنا شدم و بعد از آن با هم ازدواج کردیم. برادرم در این مدت به خاطر مواد به زندان افتاد. شوهرم شغل آزاد داشت و دستش به دهانش می رسید. در یک مجتمع با جاری ام زندگی می کردیم و او تفننی و به دور از چشم همسرش مواد مصرف می کرد.

بعضی از روزها که پیش او می رفتم مرا وسوسه می کرد که او را همراهی کنم و می گفت خطری برای من ندارد. با یک دود و دو دود گرفتن مواد زیر زبانم مزه کرد تا این که هر روز مشتاقانه به سوی مواد می رفتم. شوهرم اصلاً از ماجرا خبر نداشت چون قبل از آمدن او به خانه فضا را عادی و با زدن ادکلن و دوش گرفتن مداوم بوی مواد را از خودم پاک می کردم. مدتی بعد از این ماجرا و موش و گربه بازی کردن، از این وضعیت خسته شدم و مواد را کنار گذاشتم. به پیشنهاد جاری ام سراغ قرص متادون رفتم. جاری ام همه چیز را برایم فراهم می کرد تا به قول خودش آب در دلم تکان نخورد.

فکر می کردم او دوست خوبی برایم است اما نمی دانستم که او بدتر از هر دشمن دیگری است و به خاطر حسادت های زنانه اش قصد نابودی چهره و زندگی ام را دارد. بعد از گذشت مدتی از مصرف قرص کم کم حالم رو به وخامت گرایید و چهره ام داشت خراب می شد و همین موضوع باعث شد شوهرم به من شک کند.

مدام در خواب بودم و چرت می زدم و برای همین همسرم یک روز به بهانه ای مرا از خانه بیرون برد و تا به خودم آمدم دیدم در یک آزمایشگاه هستم و دیگر دیر شده است.

بعد از دادن آزمایش مچم پیش همسرم باز شد و بعد از آن دیگر حنایم پیش او رنگی نداشت. شوهرم به شدت از دست من عصبانی شد تا جایی که تصمیم گرفت مرا طلاق بدهد.

به ناچار همه ماجرا و نحوه فریب خوردن از سوی زن برادرش را برای او تعریف کردم. وقتی برادر شوهرم جاری ام را به باد کتک گرفت او اعتراف کرد که به خاطر حسادتی که از روز اول به چهره و خوش تیپی ام داشته است تصمیم گرفته مرا در تله اعتیاد گرفتار کند تا با خراب شدن چهره ام او به آرزویش برسد.

بعد از این اتفاقات وقتی دیدم زندگی ام در حال فروپاشی است و از طرفی تنها فرزندم بی پناه می ماند و سرنوشت مرا پیدا می کند از شوهرم درخواست کردم که یک فرصت به من بدهد تا خودم را اصلاح کنم. همسرم وقتی ناتوانی مرا دید قبول کرد یک فرصت دیگر در اختیارم بگذارد و برای همین به کمپ آمدم تا هر چه زودتر از شر مواد خانمان سوز خلاص شوم و به دامان خانواده ام برگردم و از همه مهم تر مادری پاک و دلسوز برای تنها فرزندم باشم.

تلنگر

جعل اسناد

در تعریف جرم جعل می توان گفت که عبارت از ساختن یا تغییر آگاهانه نوشته یا سند، ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی، خراشیدن، تراشیدن، قلم بردن، الحاق، محو، اثبات، سیاه کردن یا دست بردن بدون اجازه صاحب آن به قصد جازدن آن به عنوان اصل برای استفاده خود یا دیگری و به ضرر غیر است.

ساختن نوشته یا سند

سند عبارت است از نوشته ای که در مقام اقامه دعوی یا دفاع از آن قابلیت استناد دارد. البته باید توجه داشت برای این که نوشته ای سند محسوب شود نیاز نیست از آن نوشته در دادگاه استفاده شود، بلکه باید آن نوشته قابلیت استناد داشته باشد. برای مثال شخصی به دیگری مبلغی وجه دستی می دهد و در مقابل از او رسید دریافت می کند. این نوشته اگر امضای طرف را داشته باشد، قابلیت استناد دارد و سند محسوب می شود. هر چند بین این دو نفر اختلافی حاصل نشود و به مراجعه به دادگاه نیازی نباشد و این رسید صرفاً برای یادآوری آن باشد.

سند بر دو نوع است: سند رسمی و عادی، سند رسمی نوشته ای است که توسط مأمور دولت با رعایت تشریفات قانونی و در حدود صلاحیت مأمور تنظیم شده باشد مانند گذرنامه یا شناسنامه، چنان چه نوشته ای فاقد هر یک از این شرایط باشد، در صورتی که به امضای طرف رسیده باشد سند عادی محسوب می شود مانند چک، سفته و اجاره نامه های عادی. باید توجه داشت که صرف تایپ شدن یک نوشته یا نوشتن در سربرگ های دولتی موجب رسمی شدن سند نمی شود. برای مثال چک یک سند عادی محسوب می شود زیرا اگرچه توسط بانک چاپ می شود و در اختیار مشتری قرار می گیرد اما مفاد آن توسط مأمور دولت تنظیم نمی شود، بلکه این کار توسط صاحب حساب انجام و در پایان توسط او امضا می شود. بنابراین چون چک یکی از شرایط تعریف سند رسمی را ندارد (توسط مأمور دولت تنظیم نمی شود)، سند عادی محسوب می شود.

در موارد جعل اسناد، جاعل مبادرت به ساختن یک نوشته یا سند اعم از رسمی یا عادی می کند. مثلاً به ساختن یک شناسنامه، گواهی نامه، گذرنامه، دانشنامه، اجاره نامه، وصیت نامه، قولنامه و مانند این ها دست می زند.

معاونت فرهنگی دادگستری کل خراسان شمالی